سایت باشگاه والدای (19/8/2020)

**شراکت ایرانی روسی: ماه عسل ابدی**

با امضای پیمان دفاعی ایران و سوریه، برخی از تحلیلگران از آغاز زمستان در اوج ماه عسل روسیه و ایران خبر دادند. با این حال، با وجود تنش ها همکاری بین مسکو و تهران همچنان مستحکم است. یک گره منحصر به فرد این دو کشور را بصورت ابدی به همدیگر پیوند زده است که گاهی باعث ناراحتی متقابل می شود. مشخص است که این امر بر سرنوشت سوریه پس از مناقشه اثر می گذارد که به گفته برخی ناظران منجر به خطرناکترین مرحله در همکاری دو جانبه خواهد شد. این مطلب را غنچه تضمینی محقق مرکز خاورمیانه دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن می نویسد.

بسیاری گمان می کنند که ایران در مورد قابلیت اطمینان مشارکت خود با مسکو اغراق می کند و مطلوب را بجای واقعیت جا می زند. ایران را غالباً بصورت کسی تصویر می کنند که بر روی ترامپولین دیپلماسی پریده است و به منظور تقویت موقعیت خود در بازی با ایالات متحده، وفاداری روسیه به تهران را بزرگنمایی می کند. ایران که اغلب از آن به عنوان "شریک کوچکتر" یاد می شود غالبا به عنوان "پیاده" در صفحه شطرنج منطقه ای روسیه دیده می شود. با کمال تعجب، این روایت اکنون وارونه شده است. پس از امضای پیمان نظامی بین تهران و دمشق، ایران به عنوان یک "نیروی مهم" در سوریه به تصویر کشیده شده است.

علی عبدالله ایوب وزیر دفاع سوریه گفت: توافق نامه دفاعی که در ماه ژوئیه امضا شد با هدف مقابله با تروریسم و ​​مقابله با فشارهای منطقه ای و بین المللی تنظیم شده است. براساس این توافق، ایران سیستم های پدافند هوایی سوریه را تقویت می کند و همزمان آموزش نیروهای نظامی و کیفیت سلاح های موجود در ارتش سوریه را نیز بهبود می بخشد.

به گفته تهران تایمز این توافق نامه امکان استقرار دو سامانه موشکی پدافند هوایی ایران در خاک سوریه را فراهم می کند. چنین فرض می شود که تأمین زیرساخت های استراتژیک سوریه بدست ایران می تواند تعادل روسیه و ایران در این کشور را به خطر اندازد. پیمان دفاعی ظاهرا می تواند توانایی روسیه در کنترل اوضاع سوریه و حفظ انحصار در حریم هوایی سوریه را تضعیف کند. استدلال دیگر این است که پیمان امنیتی تنش های اسرائیل و ایران را بیشتر می کند و در نتیجه برای روسیه برقراری توازن بین اسرائیل و ایران دشوارتر می شود.

کارشناسان ایرانی همچون حسین رویوران خاطرنشان می کنند که ایران قصد ایجاد پایگاه نظامی در سوریه را ندارد. به گفته رویوران ارتش ایران آماده است تا به محض اینکه دمشق اعلام کند دیگر حضور ایران لازم نیست این کشور را ترک کند. علاوه بر این سوریه و ایران مدت ها قبل از جنگ داخلی سوریه چندین توافق نامه نظامی بسته اند. از این منظر، توافق جدید در ادامه همکاریهای نظامی چند ساله دیده می شود. پیمان جدید فقط براساس توافق نامه های موجود استوار است و بنابراین خطری برای روابط روسیه و ایران محسوب نمی شود.

توافق نظامی بین تهران و دمشق ممکن است باعث ایجاد اصطکاک بین روسیه و ایران شود. و ممکن است که اینگونه نشود.

واقعیت این است که این اولین بار نیست که تحلیلگران از سوریه به عنوان عرصه ای یاد می کنند که ماه عسل بین مسکو و تهران در آنجا به پایان می رسد.

گزارش های بی شماری از رقابت روسیه و ایران بر سر کسب قراردادهای پر سود در بازسازی سوریه پس از جنگ، منتشر شده است. در مورد اصلاحات نهادی سوریه نیز اختلاف نظر وجود دارد.

در حالی که تهران شبکه ای از شبه نظامیان متحد ایران را هدایت می کرد که در کنار نیروهای دولتی فعالیت می کنند مسکو به دنبال یک دستگاه امنیتی مستقل، متمرکز و تحت کنترل دولت است. روسیه که در این مسئله با ایران در تضاد است نهادهای دولتی و همچنین ارتش و نهادهای نظامی و دفاعی سوریه را در اولویت قرار می دهد. در عوض ایران ترجیح می دهد متحدان محلی سوری خود را در ساختارهای دولتی وارد کند.

بنابراین این اولین بار نیست که مسکو و تهران با همدیگر اختلافاتی دارند و در همین حال نمونه هایی از همکاری نزدیک دارند. طی دو دهه و نیم گذشته نمودار همکاری و اختلاف بین مسکو و تهران پیچیده به نظر رسیده است. برای سالها دو کشور بر سر ساخت نیروگاه در بوشهر و تأخیر در تحویل سیستم موشکی ضد هوایی اس سیصد دعوا داشتند.

بارها شده است که معاشقه مسکو با اسرائیل یا دیپلماسی انرژی با عربستان سعودی (قبل از جنگ قیمتها) به عنوان شواهدی دال بر فرصت طلبانه و ناپایدار بودن مشارکت ایران و روسیه قلمداد شده اند.

همانند پیمان نظامی، در اینجا نیز تمایل بیشتر بر این است که به جای لحاظ نمودن تمام جوانب روابط مسکو و تهران، بر روی برنامه های نامتقارن متمرکز شویم. البته همانطور که در بالا اشاره کردیم ضرورتها و علایق استراتژیک realpolitik می توانند باعث اصطکاک شوند. با این وجود تضاد مسیرهای ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک لزوماً منجر به مناقشه نمی شوند. اگر اوضاع را در یک زمینه گسترده تر تحلیل کنیم آشکار می شود که اتحاد روسیه و ایران بسیار عمیق تر و گسترده تر از آن است که بسیاری از تحلیلگران متوجه می شوند.

همکاری روسیه و ایران از هم افزایی ایده آلی برخوردار است. هر دو کشور دارای یک جهان بینی مشابه ژئوپلیتیکی هستند که پارامترهای پایداری دارند. این پارامترها مشتمل بر ارزشهای هنجاری، ویژگیهای فرهنگی و تمدنی و جنس گفتمان مشابه در رابطه با غرب، می باشند. این ژن مایه عجیب تاریخی و فرهنگی، جهان بینی ایدئولوژیک روسیه و ایران را شکل می دهد که اساساً با معیارهای هنجاری آتلانتیک در سیستم بین المللی مغایرت دارد.

سیاست خارجی روسیه بدنبال جذب هوادارانی از بین کشورهایی است که مخالف هژمونی هستند. ایران در این تلاش شریک مهمی است. نخبگان انقلابی ایران مانند همتایان خود در کرملین مخالف این ایده هستند که یک دولت یا گروهی از کشورها می توانند ارزشهای ویژه و ساختارهای قدرت خود را جهانی اعلام کنند. هر دو کشور در مخالفت با مداخله گرایی لیبرال، به اصل بین الملل گرایی مستقل پایبند هستند.

درک مشترک از نظم بین المللی به یک درک مشترک از سیستم امنیتی تبدیل می شود. مسکو و تهران هر دو، نظم بین الملل مدرن را به عنوان یک فضای ناعادلانه و ریاکارانه که هویت تمدنی ایران و روسیه را تهدید می کند می دانند. هر دو کشور برای مقابله با این فضا قائل به تکثرگرایی در نظام بین الملل از طریق حمایت از شبکه های جایگزین، همگرایی و نهادهای چند جانبه در سطح منطقه ای (مانند سازمان همکاری شانگهای یا توافقنامه چین و ایران) هستند.

بنابراین در حالی که ممکن است هر از گاهی اصطکاکی ایجاد شود اتحاد روسیه و ایران کاملاً ریشه در مجموعه گسترده ای از اصول مشترک دارد. این هم افزایی ایدئولوژیک مختص روسیه و ایران است. به عبارت دیگر نه روسیه و نه ایران نباید در مورد میزان نزدیکی با هر شریک دیگری (عربستان سعودی، اسرائیل یا چین) نگران باشند.

ماه عسل همیشه کوتاه مدت است اما آنگونه که الگوی تعامل روسیه و ایران نشان می دهد بعید است که شکاف سیاسی به زودی رخ دهد.

<https://ru.valdaiclub.com/a/highlights/rossiysko-iranskoe-partnyerstvo-medovyy-mesyats/>

مترجم: محمد سیفی، تاریخ ترجمه: 4/6/99